

جایگاه رئیس جمهور در

نظام جمهوری اسلامی ایران

* محمد رضا دولت رفتار حقیقی

خلاصه

اگرچه حکومت جمهوری اسلامی ایران مانند اغلب دولت‌های هم عصر خود جمهوری است، اما باید توجه داشت که تفاوت‌هایی هم وجود دارند. این مسئله به خصوص درباره وضعیت رئیس جمهور و سایر ارکان نظام سیاسی نمود پیدا می‌کند. اگرچه بعضی رئیس‌جمهور رابه عنوان نماد جمهوری اسلامی ایران می‌شناسند، اما برخی دیگر او را تنها بالاترین فرد اجرایی دولت قلمداد می‌کنند. هر دو این تفاسیر ناقصند. این مقاله به وظایف، مسئولیت‌ها و توانایی‌های رئیس‌جمهور بر پایه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و نقش وی به عنوان شخص اول مملکت پس از رهبری و مسئول اجرایی قانون اساسی می‌پردازد.

نظام جمهوری اسلامی ایران از این منظر که چارچوبی برای اعمال حاکمیت در سرزمین مشخص با مردمان آن است تفاوتی با سایر نظام‌های حاکمیتی ندارد با این حال ساخت و چارچوب بندی آن به نحو بارزی با سایر ساختارهای حاکمیتی متماز می‌شود ساخت حاکمیتی در این نظام تا حدودی متفاوت از سایر نظام‌هاست. یکی از بنیادی‌ترین تفاوت‌ها گرایش نخبه‌گرایانه در نظام جمهوری اسلامی است. در اکثر نظام‌های حاکمیتی گرایش نخبگی عموماً در نهادهای فیصله‌بخشی است در حالی که در سیستم حکومت جمهوری اسلامی ایران بالاترین مقام رسمی کشور باید واجد ویژگی نخبگی (فقاهاست) همراه با تأیید عمومی باشد (رای مستقیم یا غیر مستقیم مردم) با این حال مقاماتی نیز در این نظام سیاسی وجود دارند که قانون اساسی شرایط و ویژگی‌های خاصی برای آنها از حیث نخبگی قائل نشده است نمایندگان مجلس، رئیس‌جمهور، اعضای شورای شهر و روستا عبارت دیگر هر شهروند ایرانی اکثریت (یا اکثریت قریب به اتفاق آنها) می‌توانند با تلاش در حوزه سیاسی اجتماعی بدون التزام به داشتن تخصصی خاص (نخبگی) و صرفاً با رای مردم به سمت‌های فوق دست یابند با توجه به نوع تقسیم قدرت در این نظام سیاسی که معطوف به اهداف آرمان‌گرایانه مقرر در مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی است شاهد نوعی همنشینی نخبه‌گرایی و جمهوری به مفهوم خاص آن هستیم به نحوی که نخبگان نه فقط در نهادهای فیصله‌بخش مثل دادگاهها بلکه در نهادهای تقنینی (شورای نگهبان) و رهبری نظام هم حضور پررنگ دارند (البته با لحاظ جمهوریت نظام) و این همنشینی علاوه بر اینکه همگرایی و ارتقا سیستم را موجب می‌شود در عین حال ممکن است موانع و تعارضاتی را موجب شود که تفسیر دقیق، درست، متدولوژیک و معطوف به هدف این نظام سیاسی می‌تواند دامنه این تعارضات و موانع را کاهش داده و موجب کارایی نظام سیاسی در رقابت با سایر الگوهای حکومتی فراهم شود. روشن کردن حدود وظایف و اختیارات نهادهای مختلف و شفاف کردن آنها به یقین حرکتی روبه جلو محسوب می‌شود. در این نوشتار به وظایف و اختیارات یکی از نهادهای اساسی و بنیادی این نظام می‌پردازیم و به سوالات زیر جواب می‌دهیم که جایگاه رئیس‌جمهور در نظام حکومتی جمهوری اسلامی کجاست؟ رابطه آن با رهبری چگونه است؟ حدود اختیارات این رکن نسبت به سایر ارکان چگونه است؟ چه اختیارات و وظایفی دارد؟ و بالاخره خلاء‌های موجود در این وظایف و اختیارات کجاست و چه تفسیری از وظایف این نهاد مطابق با اهداف آرمان‌گرایانه قانون اساسی وجود دارد.

در این نوشتار به دو وظیفه مهم رئیس جمهور، یعنی فرد اول نظام بعد از رهبری و مسئولیت اجرای قانون اساسی می پردازیم و مسئولیت قوه مجریه را به نوشتار دیگری واگذار می کنیم.

اول - رئیس جمهور، رئیس جمهوری اسلامی ایران

اعمال حاکمیت توسط حکومت صورت می گیرد و در اغلب نظام ها افرادی به عنوان نهاد حاکمیت مطرحند که از شاه یا ملکه گرفته تا روسای جمهوری که حسب سیستم حکومتی متفاوت می باشند. این نهاد حاکمیت، یا حالت تشریفاتی را دارد و یا مسئولیتی اجرایی دارد و دارای اختیارات متعدد اعمال حاکمیت نیز می باشد از نماد حاکمیت تشریفاتی می توان به ملکه انگلستان، پادشاه دانمارک، رئیس جمهوری آلمان و امپراطور ژاپن و اشاره کرد.

در این سیستم ها اگر چه مقامات مذکور نماد حاکمیت اند ولی هیچ اختیار اساسی و جدی ندارند و آنگاه که بناسبت تصمیمی در روابط بین دولت ها اتخاذ شود نهاد های اصلی و ماهوی حاکمیت همانند نخست وزیران یا صدر اعظم ها مداخله می کنند و پروتکل های تشریفاتی نیز در هر دو مورد رعایت می شود. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران عالی ترین مقام رسمی کشور پس از مقام رهبری رئیس جمهوری است. به نظر می رسد در قانون اساسی همزمان مواجه با دو نماد حاکمیت هستیم که در یکی وجه نخبگی نظام سیاسی (فقاقت، عدالت و ...) وجه برجسته ای دارد و در دیگری با تغییرات بوجود آمده در قانون اساسی، علاوه بر رای غیر مستقیم مردم، رای مستقیم آنها برجسته است.

قبل از اینکه به وظایف رئیس جمهوری به عنوان نماد حاکمیت نظام یا فرد اول نظام بعد از رهبری پردازیم باید نخست به این پرسش پاسخ داد که آیا اصولاً می توان بالاترین نماد حاکمیت نظام را منقسم به دو فرد یا نماد نمود؟ (آنچنان که در فرانسه وجود دارد) برخی بر این عقیده اند که اساساً بالاترین دارنده حاکمیت رانمی توان در برخی جهات اعمال حاکمیت، محدود نمود و یا برای وی شریکی قرار داد.^۱

با این حال تفسیر عملی قانون اساسی که در رویه عینی نظام سیاسی کشور نمود یافته است و نگاه سیستماتیک به نظام حقوقی کشور که در آن نقش اصلی را ایفا می کند، تفسیر متفاوت از نظر مذکور بدست می دهد.

پس از برپایی جمهوری اسلامی ایران تقریباً قریب به اتفاق سفر های در سطح سران کشور (نمادی از حاکمیت) توسط رئیس جمهور صورت گرفته و

پروتکل های تشریفاتی که در خصوص نمادهای حاکمیت لحاظ شده است عموماً برای رئیس جمهوری لحاظ گردیده اند. ماده ۱۲ قانون تعیین حدود وظایف و اختیارات و مسئولیت های ریاست جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۵ مقرر می دارد «شركت در کنفرانس ها، سمینارها و اجلاس های بین المللی که در سطح عالیترین مقام اجرایی کشورها تشکیل می شود در اختیار رئیس جمهور می باشد»

بنابراین حداقل در مقام نمایندگی کشور در نشست های بین المللی و خارجه آنچه که عملاً رخ داده این است که رئیس جمهور به عنوان نماد حاکمیت و رئیس کشور (دولت - کشور) در مجامع حضور یافته و پذیرای سران دولت های دیگر نیز بوده است.

از طرف دیگر از منظر ماهوی نیز بیانیه ها و معاهدات مهم که منشا حق یا تکلیف بوده اند و مذاکرات در سطح سران که علی الاصول به عنوان منابع حقوق قابل ارایه در محافل حقوق باشند توسط رئیس جمهور به منصفه ظهور رسیده و البته دیدارهای سران کشورها با رهبری عمدتاً به مباحث کلی و بعضاً اخلاقی و ارشادی ختم گردیده و رهبری نیز خود در این خصوص مداخله ای نداشته است (البته این بحث مربوطه به اطلاعات آشکاری است که وجود دارد).

بنابراین به نظر می رسد علیرغم اینکه در جای جای قانون اساسی به نقش فراقوه ای و رهبریت، امامت، ولایت و ... برای رهبری اشاره و تاکید شده است اما نوعی تقسیم وظیفه نماد حاکمیت نظام بین رهبری و رئیس جمهور در قانون اساسی، بطوریکه در ذیل خواهد آمد، پذیرفته شده و عملاً نیز چنین رویه ای تأیید گردیده است.

از این رو به نظر می رسد تقسیم در نماد حاکمیت حداقل بر اساس قواعد حاکم به نظام جمهوری اسلامی ایران فاقد ایراد اساسی است.

الف - مسئولیت رئیس جمهور در امور بین الملل
بر اساس حقوق بین الملل هر کشوری بواسطه یک نماد حاکمیت ملی در مقابل کشورهای دیگر شناخته می شود و اقداماتی که می تواند مسئولیت بین المللی کشور را به دنبال داشته باشد؛ این نهاد یا نماد حاکمیت، اقدامات کشور را در قبال کشورهای دیگر انجام می دهد و دولت های دیگر نیز وی را به عنوان سخنگو و نماد حاکمیت آن کشور تلقی می کنند. از قبول تعهدات رسمی چه بصورت امضای ابتدایی (قبل از تصویب) و چه به صورت امضای نهایی، تبادل معاهده و ... گرفته تا سخنان و بیانیه های او بعنوان نظر یک دولت (کشور) تلقی شده و اثرات حقوقی خاصی بر آن بار می شود.

در قانون اساسی همزمان با دو نماد حاکمیت مواجه هستیم که یکی در وجه نخبگی نظام سیاسی، علاوه بر رای غیر مستقیم مردم، وجه برجسته ای دارد و در دیگری رای مستقیم مردم برجسته است

دارد. اگر بخواهیم وظایف و اختیارات رئیس جمهور را در امور بین الملل بطور خلاصه نشان دهیم چنین نموداری قابل ترسیم خواهد بود:

رئیس جمهور عالی ترین مقام در امور بین الملل

۱- معاهدات

امضا قبل از تصویب

امضا هنگام تبادل معاهده

پی گیری اجرای معاهده در قوای سه گانه

۲- نماد حاکمیت غیر از معاهدات

بیان کننده نظرات رسمی نظام (البته اعلام جنگ و صلح که از وظایف ویژه رهبری است مستثناء است.)

موافقت با ارسال سفیر و نماینده رسمی

قبول سفرای خارجی

شرکت در نشست های بین المللی که در سطح بالاترین مقام کشور ها صورت می گیرد.

بدون شک امضای معاهده بعد از تصویب مجلس یک امر شکلی نبوده بلکه امری ماهوی می باشد زیرا در

اموری که شکلی است و برای رئیس جمهور حق امضا داده اند، یک الزام برای وی قائل شده اند مانند اصل ۱۲۳

که مقرر می دارد:

"رئیس جمهور موظف است مصوبات مجلس و نتیجه همه پرسی را پس از طی مراحل قانونی و ابلاغ به وی امضاء کنند و برای اجرای در اختیار مسئولان بگذارند."

این در حالی است که اصل ۱۲۵ قانون اساسی الزامی برای رئیس جمهور برای امضا معاهدات ایجاد نمی کند و رئیس جمهوری موظف است با بررسی دقیق و دوباره آن معاهده را امضا نماید. نظر شرعی فقها شورای نگهبان مورخه ۶۵/۱۲/۶ در این مورد وافی به مقصود می باشد:

"چنانچه رئیس جمهور در مواردی احراز نماید که امضا او در در خصوص معاهدات عواقب سوء و بروز خطراتی برای مرزها و سایر مصالح دارد از امضاء خودداری نماید^{۱۲} این امر بخصوص زمانی که بناست رئیس جمهور جدیدی که در جریان امضای ابتدایی معاهده نبوده و می خواهد برای مبادله معاهده را امضا نماید، با اهمیت تلقی می شود.

بعضی از حقوقدانان با ملاحظه این وظیفه رئیس جمهوری در نظام سیاسی موضوع را از این منظر واجد تعارض پنداشته و معتقدند موقعیت عالی رهبری پذیرش نقش فراقوه ای رئیس جمهور در عرصه روابط خارجی را بر نمی تابد، چرا که اساساً حاکمیت واحد و تقسیم ناپذیر است و نمی توان اجزای آن را به افراد

به تناسب نظامهای حقوقی هر کشور فردی که بالاترین درجه مسئولیت در کشور خود را دارد این مسئولیت را بر عهده می گیرد و در حقیقت در این حوزه بالاتر از قوای مختلف عمل میکند و اعمال و گفتار و دستورات وی در حدود قانون برای سایر قوا لازم الطاعته می باشد. به عبارت دیگر از نظر بین المللی با توجه به اینکه رئیس جمهور مقامی هم شأن با روسای سایر کشورها دارد و اعمال مربوط به سیاست خارجی و... با اوست، اصولاً او را در مقام عالیترین مقام بین المللی (رسمی) کشور و به عنوان مظهر حاکمیت و اقتدار ملی قرار میدهد.^{۱۳}

اصل ۱۲۵ قانون اساسی مقرر می دارد:

"امضا عهد نامه ها، مقاوله نامه ها، موافقت نامه ها و قراردادهای دولت ایران با سایر دولتها و همچنین امضای پیمان مربوط به اتحادیه های بین المللی پس از تصویب مجلس شورای اسلامی با رئیس جمهور یا نماینده قانونی اوست."

اصل ۱۲۸ قانون اساسی نیز مقرر می دارد: "سفیران به پیشنهاد وزیر امور خارجه و تصویب رئیس جمهور تعیین می شوند رئیس جمهور استوارنامه سفیران را امضا می کند و استوارنامه سفیران کشورهای دیگر را می پذیرد."

همانطور که از دو اصل فوق بر می آید دو اقدام مهم حقوقی در عرصه بین المللی که دارای نماد حاکمیت است بدست رئیس جمهور انجام می گیرد اولی ایجاد تعهدات برای کشور و مبادله اسناد تصویبی است و دیگری اعزام و قبول سفر و نماینده دولت به کشورهای خارجی است که در عرف بین المللی فقط توسط نماد اصلی حاکمیت ملی هر کشور صورت می گیرد و اقدامات آنها برای تمامی ارکان نظام سیاسی یک کشور الزام آور می باشد.

نکته مهمی که در این راستا حایز اهمیت می باشد اجرای معاهدات بین المللی است سوال این است که چه کسی مسئول پیگیری و اجرای معاهدات است و در حقیقت چه کسی در قبال کشورهای دیگر پاسخگویی اجرا یا عدم اجرای معاهدات می باشد. در جمهوری اسلامی ایران نیز با توجه به اصول فوق به نظر می رسد رئیس جمهور مسئول اجرای معاهدات باشد زیرا وقتی مسئولیت امضا معاهده و نماد نظام در امور بین المللی بودن به وی واگذار می شود، او مسئول پی گیری و اجرای مسئولیت می باشد و در این خصوص نیز رئیس جمهور نه بعنوان رئیس قوه مجریه که بعنوان فرد شاخص نظام در امور بین الملل مطرح بوده در طول قوای دیگر قرار میگیرد و مسئولیت پیگیری معاهدات و سایر تعهدات بین المللی را در قوای سه گانه بر عهده

حداقل در مقام نمایندگی کشور در نشستهای بین المللی و خارجه، رئیس جمهور به عنوان نماد حاکمیت و رئیس کشور در مجامع حضور یافته و پذیرای سران دولتهای دیگر نیز بوده است

- حسب مورد وزیر مربوطه و عالیترین مقام ارتش و سپاه شورای عالی امنیت ملی به تناسب وظایف خود شوراهای فرعی از قبیل شورای دفاع و شورای امنیت کشور را تشکیل می دهد. ریاست هر یک از شوراهای فرعی با رئیس جمهور یا یکی از اعضای شورای عالی است که از طرف رئیس جمهوری تعیین می شود. حدود اختیارات و وظایف شورای فرعی را قانون معین می کند و تشکیلات آنها به تصویب شورای عالی می رسد. مصوبات شورای عالی امنیت ملی پس از تایید مقام رهبری قابل اجراء است.

بطوری که ملاحظه می شود در این شورای رئیس جمهور بالاتر از قوای دوگانه دیگر بوده و ریاست شورا و شوراهای فرعی را بر عهده دارد و این ریاست صرفاً یک امر شکلی نبوده و تأثیر بسیار زیادی بر مصوبات و اجرای آنها خواهد داشت، و مصوبات آن نیز فراتر از اختیارات قوه مجریه است. مانند تصمیمات اتخاذ شده در امور دفاعی و ...

۲- شورای بازنگری قانون اساسی

بر اساس اصل ۱۷۷ قانون اساسی بازنگری در قانون جمهوری اسلامی ایران در موارد ضروری به ترتیب زیر انجام میگرد:

مقام رهبری پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام طی حکمی خطاب به رئیس جمهور موارد مورد اصلاح یا ترمیم قانون اساسی را به شورای بازنگری قانون اساسی با ترکیب زیر پیشنهاد می نماید:

۱- اعضای شورای نگهبان

۲- روسای قوای سه گانه

۳- اعضای ثابت مجمع تشخیص مصلحت نظام

۴- پنج نفر از اعضای مجلس خبرگان رهبری

۵- ده نفر به انتخاب مقام رهبری

۶- سه نفر از هیات وزیران

۷- سه نفر از قوه قضائیه

۸- ده نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی

۹- سه نفر از دانشگاهیان

و ...

به طوری که ملاحظه می شود این شورا به نوعی جانشین قوه مؤسس شده و امر تقنین در حوزه قانون اساسی را بر عهده می گیرد اگر چه این اعضا به لحاظ حقوقی برابرند.

با این وجود به اجرا در آوردن این اصل در تمام مراحل بر عهده رئیس جمهور است که مورد خطاب رهبری قرار می گیرد و در نهایت همه پرسشی آن را ابلاغ می کند.^۹

ج - وظایف تشریفاتی رئیس جمهور

مختلف سپردن از این رهبری را عالیترین فرد نماد حاکمیت دانسته روش های اعمال این نقش برتر را بسته به عرصه های داخلی بین المللی متفاوت فرض می کنند. بدین نحو که در مواردی در عرصه بین المللی رهبری به طور مستقیم نماد حاکمیت می شود، همانند اعلان جنگ و صلح (اصل ۱۱۰ قانون اساسی) و مواردی نیز بصورت غیر مستقیم پس از تعیین سیاستهای کلی در عرصه خارجی، مدیریت آنرا بر عهده رئیس جمهوری واگذار می کند.

با این حال به نظر می رسد چنین برداشتی از قانون اساسی بدون ایراد نمی باشد چرا که به نقش انحصاری رئیس جمهور در حوزه بین المللی به ویژه ایجاد تمهیدات بین المللی و پذیرش سفرالطمه وارد می کند و این تلقی را به ذهن متبادر می کند که رئیس جمهور بعنوان معاون اجرایی رهبر ایقاف نقش مینماید.^{۱۰} در حالی که بجز اعلان جنگ و صلح که به اختیار رهبری تصریح گردیده وظیفه امور بین الملل کشور علی الاطلاق با رئیس جمهور می باشد و قوانین موجود از جمله قانون اساسی و تفسیر عملی آنها نیز این تلقی را تأیید می نماید ضمن اینکه این برداشت با اصل حاکمیت قانون نیز همگرایی بیشتری دارد.

ب - ریاست شورا های عالی:

بر اساس قانون اساسی و قوانین عادی، رئیس جمهور ریاست چند شورای عالی را بر عهده دارد که اعضای آن را کسانی علاوه بر قوه مجریه تشکیل می دهند و تصمیمات آنها صرفاً مربوط به قوه مجریه نمی باشد.

۱- شورای امنیت ملی

بر اساس اصل ۱۷۶ قانون اساسی به منظور تأمین منافع ملی و پاسداری از انقلاب اسلامی و تمامیت ارضی و حاکمیت ملی شورای عالی امنیت ملی به ریاست رئیس جمهور با وظایف زیر تشکیل می گردد:

- تعیین سیاست های دفاعی امنیت کشور در محدوده

سیاست های کلی تعیین شده از طرف مقام رهبری

- هماهنگ نمودن فعالیت های سیاسی، اطلاعاتی،

اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در ارتباط با تدابیر کلی

دفاعی امنیتی

- بهره گیری از امکانات مادی و معنوی کشور برای

مقابله با تهدیدهای داخلی و خارجی

اعضای شورا عبارتند از:

- روسای قوای سه گانه

- رئیس ستاد فرمانده نیروهای مسلح

- مسئول امور برنامه و بودجه

- دو نماینده به انتخاب مقام معظم رهبری

- وزرای امور خارجه، کشور و اطلاعات

د- مسئولیت امور فرا قوه ای برنامه و بودجه و امور استخدامی

در کشور سازمان های اداری و اجرایی هستند که جایگاه فراقوه ای دارند عبارت دیگر تصمیمات آنها بر تمام قوا لازم الاجراست و به نوعی قوای سه گانه و ساختارهای زیر نظر رهبری نیز بایستی امور خود را با آنها تطبیق دهند. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اصل ۱۲۶ مقرر می دارد "رئیس جمهور مسئولیت امور برنامه و بودجه و امور اداری و استخدامی کشور را مستقیماً برعهده دارد و می تواند اداره آنها را به عهده دیگری بگذارد."

اگر چه قبل از اصلاحات سال ۶۸ قانون اساسی این اختیار به نوعی در صلاحیت نخست وزیر بود ولی با توجه به تاثیر آن در قوای دیگر و نوعی رابطه طولی تخصصی با سایر دستگاه ها، این امر بر عهده رئیس جمهور قرار داشت و در سال ۱۳۷۹ نیز سازمانهای برنامه و بودجه، و امور اداری و استخدامی بر اساس مصوبه مورخه ۱۳۸۱/۱۲/۱۷ ادغام و سازمان مدیریت و برنامه ریزی تشکیل شد که ریاست آن بر عهده رئیس جمهور یا معاون وی قرار گرفت.

این سازمان اگر چه به نظر یک سازمان اجرایی یا اداری می رسد ولی وظیفه این سازمان در تمام دنیا نوعی سیاست گذاری فراقوه ای است به نوعی که سیاست های اتخاذی این سازمان و نوع تعامل سازمان مربوط به قوای دیگر به نوعی فرادست بودن آن نسبت به سایر دستگاه ها را نشان می دهد و رئیس جمهور به واسطه اینکه فرد اول نظام بعد از رهبری محسوب می شود مسئولیت این سازمان را برعهده دارد.

دوم: مسئولیت اجرای قانون اساسی

قانون اساسی در هر کشوری از موقعیت خاصی برخوردار است در عین حال که به عنوان اساسنامه ایجاد یک شخصیت حقوقی (دولت - کشور) می باشد به عنوان مشخص کننده حقوق و تکالیف اعضای دولت - کشور نیز از آن یاد می شود این حقوق و تکالیف چه از طرف حاکمان و چه از طرف کسانی که یک نظام سیاسی را پذیرفته اند و یا احیاناً به مخالفت قانونی با نظام پرداخته اند، بایستی به رسمیت شناخته شده و اجرا شود.

بدون شک از طرف حاکمان نهادهای مختلف در موضوعات مختلف به اجرای تکالیف و اعمال حقوق خود مبادرت می ورزند و در کشورهایی که غالباً قوای مختلف وجود دارند، هر کدام از قوا به تناسب جایگاه خود در قانون اساسی مبادرت به انجام وظیفه می نمایند. در عین حال ممکن است بعضی از قوا که از نظارت

در اکثر نظام های سیاسی روسای کشورها وظایفی دارند که عمدتاً تشریفاتی بوده و صرفاً جهت رعایت تشریفات اداری و بعضاً عرف های اجتماعی سیاسی انجام می گیرد گرچه ممکن است همین امور تشریفاتی به لحاظ فلسفی یا حتی کارکرد اجتماعی واجد اثر باشند، ولی به لحاظ حقوقی اثر چندانی را ندارند.

۱- امضاء قوانین و نتایج همه پرسی: از جمله این اقدامات در اکثر کشورها، امضا (توشیح) قوانین توسط رئیس کشور یا پادشاه است که پس از تصویب در مراجع مربوطه به امضا آنها می رسد در جمهوری اسلامی ایران نیز در اصل ۱۲۳ قانون اساسی این وظیفه فراقوه ای و نماد حاکمیتی برعهده رئیس جمهور نهاده شده است اصل ۱۲۳ مقرر می دارد "رئیس جمهور موظف است مصوبات مجلس یا نتیجه همه پرسی را پس از طی مراحل قانونی و ابلاغ به وی امضا و برای اجرا در اختیار مسئولان بگذارد."

بر اساس ماده یک قانون مدنی در صورت استنکاف رئیس جمهور از امضای قوانین در مهلت مقرر (پنج روز) روزنامه رسمی موظف به انتشار آن ظرف ۷۲ ساعت می باشد.

این وظیفه از اینرو تشریفاتی است که به نوعی رئیس جمهور الزام به امضاء دارد و عدم امضاء او مانع در اجرای قوانین نخواهد شد.

۲- اعطای نشانهای دولتی: از امور دیگر تشریفاتی که در قانون اساسی برعهده رئیس جمهور نهاده شده است اعطای نشان های دولتی است.

اصل ۱۲۹ قانون اساسی مقرر می دارد "اعطای نشان های دولتی با رئیس جمهور است"

این اقدام هم از جمله اقدامات تشریفاتی است که به خاطر جایگاه رئیس جمهور بعنوان نماد حاکمیت به وی سپرده شده است در حقیقت رئیس جمهور به واسطه ریاست بر کشور و به نمایندگی از حاکمیت و ملت این نشان ها را با افراد اعطاء می نماید.

ماده ۷ قانون حدود و وظایف و اختیارات رئیس جمهور در این زمینه به ترتیب اعطای نشان های دولتی توسط رئیس جمهوری می پردازد و آئین نامه اعطای نشان های دولتی مورخه ۶۷/۱۷/۱ نیز نشان های دولت را شامل نشان های عالی (انقلاب اسلامی، استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی)، نشان های عمومی (عدالت، ایثار، جهاد، تربیت شجاعت و ...) نشان های تخصصی (مدیریت، علم فرهنگ، عمران، دانش و پژوهش) می داند و تشریفات خاص اعطای نشان هارا تدوین کرده است.

به نظر می رسد رئیس جمهور مسئول اجرای معاهدات بین المللی باشد. زیرا مسئولیت امضاء معاهده و پیگیری اجرای آن به وی واگذار شده است.

رئیس جمهور منصوب می شوند و وظیفه اولیه تطبیق قوانین با قانون اساسی با رئیس جمهور است نظارت بر حوزه قضایی (اصل ۶۴) حق انحلال مجلس (اصل ۱۲) و فرماندهی کل قوا (اصل ۱۵) به نوعی مکمل نقش رئیس جمهور برای اجرای این وظیفه اساسی اند. پیش نویس قانون اساسی جمهوری اسلام ایران نیز که ملهم از قانون اساسی فرانسه بود با چنین رویکردی به نگارش درآمده بود که وجود نهاد مسئول اجرای قانون اساسی بعنوان پازلی با قطعات دیگر تکمیل شود بنابراین با وجود سایر اصول ناظر بر اجرای این مسئولیت تا حدودی روشن و فاقد ابهام جدی بود.

اصل ۷۵ که اصل ۱۱۳ جایگزین آن شد مقرر می داشت "رئیس جمهوری بالاترین مقام رسمی کشور در امور داخلی و روابط بین المللی و اجرای قانون اساسی است و تنظیم روابط قوای سه گانه و ریاست قوه مجریه را به عهده دارد" در اصول دیگر این پیش نویس به نوعی این مسئولیت ها تضمین عینی می شد به نحوی که نظارت بر حوزه قضایی با نصب عالی ترین مقامات قضایی توسط رئیس جمهور و حفظ استقلال این نهاد (اصول ۱۴ و ۱۲۷ پیش نویس) فرماندهی کل نیروهای نظامی (اصل ۹۳) و... اختیارات متعددی بودند که در کنار هم این نهاد را کارآمد ترمی ساختند ولی با تغییرات ایجاد شده در خبرگان قانون اساسی بویژه نوعی تقسیم اختیارات بین رهبری و رئیس جمهور در نهایت اصلاحات به عمل آمده ۱۳۶۸، اصل ۱۱۳ قانون اساسی به نحو زیر درآمد و سایر اختیارات مندرج در اصول مذکور در پیش نویس از جمله نظارت قضایی حذف شد. اصل ۱۱۳ مقرر می دارد: "پس از مقام رهبری رئیس جمهور عالیترین مقام رسمی کشور است و مسئولیت اجرای قانون اساسی و (تنظیم روابط قوای سه گانه - حذف در سال ۱۳۶۸-) و ریاست قوه مجریه را جز در اموری که مستقیماً به رهبری مربوط می شود بر عهده دارد.

در عین حال رئیس جمهور بر اساس اصل ۱۲۱ قانون اساسی پاسدار قانون اساسی نیز می باشد این اصل که سوگند رئیس جمهوری است مقرر می دارد: "رئیس جمهور در مجلس شورای اسلامی در جلسه ای که با حضور رئیس قوه قضائیه و اعضای شورای نگهبان تشکیل می شود به ترتیب زیر سوگند یاد می کند و سوگند نامه را امضای می نماید.

من به عنوان رئیس جمهور در پیشگاه قرآن کریم و در برابر ملت ایران به خداوند قادر متعال سوگند یاد می کنم که پاسدار مذهب رسمی و نظام جمهوری اسلامی و قانون اساسی کشور باشم و همه استعداد و صلاحیت

کمتری از جانب مردم برخوردارند و به هر دلیل دیگر از اجرای این حقوق و تکالیف سر باز می زنند و یا با تفسیرهای غلط از قوانین آن ها را به نفع گروه، طبقه یا حزب خود اعمال می نماید. از این روست که در قوانین کشورها ناظری برای اجرای قوانین اساسی در نظر می گیرند که این فرد یا نهاد بر آمده از اراده جمعی ملت می باشد. در جمهوری اسلامی ایران رئیس جمهور واجد چنین شرایط و اختیاری است و بر اساس اصل ۱۱۳ قانون اساسی را بر عهده دارد.

در این قسمت از نوشتار حاضر به این مسئولیت رئیس جمهور می پردازیم:

الف - سابقه تاریخی تصویب این نهاد (مسئول اجرای قانون اساسی)

تذکر این نکته در اینجا ضروری است که هرگاه سخن از نظام حقوقی است در حقیقت به سیستمی اشاره می شود که در آن قواعد و نهادها همانند قطعات یک پازل همدیگر را کامل نموده و در نهایت ارتباط معناداری با هم دارند و معطوف به شکل گیری یا نماد یک هدف هستند هرگاه قطعات این پازل بدون توجه به نظام مندی شکل گیرد ابهام و عدم تجانس آن را فرا خواهد گرفت و این موضوع در قواعد و نهادهای حاکم بر یک نظام حقوقی نقش بنیادی ایفا می کند. در خصوص نماد اجرای قانون اساسی که بعنوان قانون الگو^۶ که برای قانون گذاری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مد نظر قرار گرفته است می توان به قانون اساسی فرانسه اشاره داشت در این قانون قواعد مختلف مبنی بر سپردن چنین مسئولیتی برای رئیس جمهوری وجود دارد در حقیقت تمامیت قانون اساسی فرانسه در یک چارچوب نظام مند این نماد را به رسمیت می شناسد و ابزارهای لازم را برای اعمال چنین نمادی به دست رئیس جمهوری می دهد و سایر قواعد آن مغایر یا حتی ابهام انگیز در این چارچوب نمی باشند.

۱- قانون اساسی

اصل ۵ قانون اساسی فرانسه مقرر می دارد: "رئیس جمهور بر رعایت قانون اساسی نظارت دارد، وی با داوری خویش عملکرد قانونمند قوای عمومی و همچنین استمرار حکومت را تضمین می کند رئیس جمهور ضامن استقلال ملی، تمامیت ارضی و رعایت معاهدات است."^۸

این نهاد بسیار مهم در حقیقت پازلی از یک چارچوب کلی حقوقی است که همگرایی لازم را با هم دارند و با اصول متعدد قانون اساسی این کشور تکمیل می شود بطوریکه بر اساس اصل ۵۶ قانون اساسی فرانسه رئیس و سه تن از اعضای شورای قانون اساسی فرانسه توسط

خویش را در راه ایفای مسئولیت‌هایی که برعهده گرفته‌ام به کار گیرم و خود را وقف خدمت به مردم و اعتلای کشور ترویج دین و اخلاق و پشتیبانی از حق و گسترش عدالت سازم و از هرگونه خودکامگی پرهیزم و از آزادی و حرمت اشخاص و حقوقی که قانون اساسی برای ملت شناخته است حمایت کنم. درحراست از مرزها و استقلال سیاسی و اقتصادی و فرهنگی کشور از هیچ اقدامی دریغ نورزم و با استعانت از خداوند و پیروی از پیامبر اسلام و ائمه اطهار علیهم السلام قدرتی را که ملت به عنوان امانتی مقدس به من سپرده است همچون امینی پارسا و فداکار نگهدار باشم و آن را به منتخب ملت پس از خود بسپارم.

بطوریکه ملاحظه می‌شود در این سوگند نامه که به نظر با وظایف رئیس جمهور در پیش نویس قانون اساسی همخوانی بیشتری دارد (چرا که اقداماتی همچون حفاظت از مرزها برعهده نیروهای نظامی است که تحت اختیار رئیس جمهور در حال حاضر نمی‌باشد) با این حال همچنان بر پاسداری از قانون اساسی و حمایت از حقوق افراد که قانون اساسی برای ملت شناخته است از وظایف وی شمرده شده است.

۲- قوانین عادی: علاوه بر قانون اساسی قوانین عادی نیز در اجرای این اصول تدوین شده‌اند که در این قسمت به آنها می‌پردازیم:

در اینکه در اجرای اصولی از قانون اساسی که تحت عنوان اصول سازمانده محسوب می‌شوند امکان تصویب قانون عادی وجود دارد یا نه ممکن است محل اختلاف باشد و بعضی از حقوقدانان در تصویب چنین قوانینی (به خصوص در مورد اصل تصویب قانون حدود وظایف و اختیارات رئیس جمهور) تردید کرده‌اند و آن را محدود کردن رئیس جمهور در عرصه اجرای قانون اساسی دانسته‌اند^{۱۱} با این حال به نظر می‌رسد اگر قانون عادی جهت تسهیل در اجرای این وظیفه و اختیار، بدون ایجاد مانع یا محدودیت فراتر از قانون اساسی باشد و به ویژه اگر هدف ایجاد ضمانت‌ات اجرا لازم برای انجام این وظیفه باشد علی‌الاصول ایرادی نخواهد داشت.

قانون تعیین حدود وظایف و اختیارات و مسئولیت‌های ریاست جمهوری اسلامی ایران مصوبه ۶۵/۸/۲۲ عنوان و محتوای فصل دوم خود را اختصاص به مسئولیت رئیس جمهوری در اجرای قانون اساسی قرار داده است بنابراین با این تاکید جایگاه نقش رئیس جمهور را به شکل بارز آن مشخص نموده است ماده ۱۳ این قانون اشعار می‌دارد: "به منظور پاسداری از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و در اجرای اصل ۱۱۳ قانون

اساسی رئیس جمهوری از طریق نظارت، کسب اطلاع، بازرسی پیگیری، و بررسی اقدامات لازم مسئول اجرای قانون اساسی می‌باشد" ماده ۱۴ این قانون نیز مقرر می‌دارد: "در صورت توقف یا عدم اجرای اصلی از اصول قانون اساسی رئیس جمهور در اجرای وظایف خویش برای اجرای قانون اساسی به نحو مقتضی اقدام نماید و به این منظور می‌تواند مراتب را به اطلاع بالاترین مقام مسئول مربوطه برساند و علت توقف یا عدم اجرا را خواستار گردد مقام مسئول موظف است پاسخ خود را مشروحاً و با ذکر دلیل به اطلاع رئیس جمهور برساند در صورتی که پس از بررسی به تشخیص رئیس جمهور علت توقف یا عدم اجرا ثابت گردد نسبت به اجرای اصل یا اصول مربوطه و رفع عوارض ناشی از تخلف اقدام در صورتی که تخلف مربوط به نخست وزیر و وزراء باشد به مجلس شورای اسلامی ارجاع می‌دهد و در غیر این صورت پرونده به مرجع صالح ارسال خواهد شد."

ماده ۱۵ این قانون نیز مقرر می‌دارد: "به منظور اجرای صحیح و دقیق قانون اساسی رئیس جمهور حق اخطار و تذکر به قوای سه‌گانه کشور را دارد."

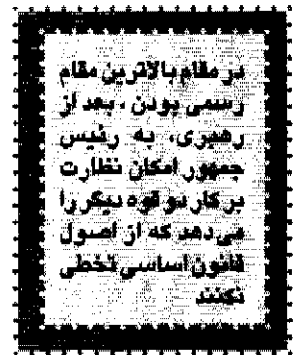
ماده ۱۶ اعلام می‌دارد "رئیس جمهور می‌تواند سالی یکبار آمار موارد توقف، عدم اجراء و نقض و تخلف از قانون اساسی را با تصمیمات متخذه تنظیم کند و به اطلاع مجلس شورای اسلامی برساند."

این قانون گرچه قبل از بازنگری قانون اساسی به تصویب رسیده است ولی با توجه به اینکه در تجدید نظر سال ۶۸ در قانون اساسی مسئولیت رئیس جمهور در اجرای قانون اساسی همچنان برعهده رئیس جمهوری باقی است بنابراین همچنان این اختیارات باقی است با این تفاوت که در حال حاضر حوزه اختیارات رئیس جمهور با توجه به حذف پست نخست وزیری به نوعی افزایش یافته است. در خصوص قوه مجریه اجرای قانون اساسی که قبلاً بایستی به نخست وزیر تذکر و اخطار می‌داد اقدام مستقیم را خواهد طلبید.

ب- رویه عملی:

علاوه بر قانون اساسی و قانون عادی رویه عملی موجود نیز حاکی از اذعان تمام ارکان نظام سیاسی به این مسئولیت رئیس جمهور است این رویه از تفسیر شورای نگهبان که هم ردیف قانون اساسی است گرفته تا عرف اعمالی در این خصوص از طرف ارکان دیگر نظام و سوابق موجود تثبیت کننده چنین مسئولیتی است.

۱- اقدامات روسای جمهوری: در سال ۱۳۵۹ شورای



"عطف به نامه شماره ۸۲۵۵ نش مورخه ۱۳۵۹/۱۲ موضوع در جلسه رسمی شورای نگهبان مطرح و مورد بررسی قرار گرفت و به این شرح اظهار نظر شد: "رئیس جمهور با توجه به اصل ۱۱۳ حق اختطار و تذکر را دارد و منافاتی با بند ۳ اصل ۱۵۶ قانون اساسی ندارد."

در دوره سوم ریاست جمهوری اقدام بعدی درخواست رئیس جمهور وقت (سومین رئیس جمهور): از شورای نگهبان درخواست اختصاص ایجاد واحد بازرسی ویژه رئیس جمهور بود که که طی نامه ای اعلام کرد:

"شورای محترم نگهبان قانون اساسی رئیس جمهور طبق قانون اساسی مکلف به اجرای قانون اساسی و شرع مقدس و .. است به نظر می رسد که انجام این مسئولیت بدون نظارت دقیق بر ارگانهای اجرایی اعم از قوه قضاییه و مجریه امکان پذیر نیست بدین جهت دفتر ریاست جمهوری در صدد است به تشکیل یک واحد بازرسی ویژه اقدام نماید خواهشمند است نظر آن شورا را در مورد این اقدام از جهت انطباق با قانون اساسی بیان نمایند."

شورای نگهبان در مورخه ۶۰/۱۱/۱۷ بدین شرح جواب خود را اعلام داشت:

"حضرت حجت الاسلام والمسلمین آقای حاج سید علی خامنه ای

رئیس محترم جمهوری اسلامی ایران عطف به نامه شماره ۳/۱۲/۸۹ مورخه ۶۰/۱۰/۱۲ موضوع در جلسه رسمی شورای نگهبان مطرح و بررسی شد نظر اکثریت شورا به این شرح اعلام می شود:

آنچه از اصل ۱۱۳ و ۱۲۱ در رابطه با اصول متعدد و مکرر قانون اساسی استفاده می شود رئیس جمهور پاسدار مذهب رسمی کشور و نظام جمهوری اسلامی ایران است و مسئولیت اجرای قانون اساسی و تنظیم روابط قوای سه گانه و ریاست قوه مجریه را جز در اموری که مستقیماً به رهبری مربوط می شود بر عهده دارد در رابطه با این وظایف و مسئولیتهای می تواند از مقامات مسئول اجرایی و قضایی و نظامی توضیحات رسمی بخواهد و مقامات مذکور موظفند توضیحات لازم را در اختیار ریاست جمهور بگذارند بدیهی است رئیس جمهور موظف است چنانچه جریانی را مخالف مذهب رسمی کشور و نظام جمهوری اسلامی و قانون اساسی تشخیص داد، اقدامات لازم را معمول دارد. بنا بر این تشکیل واحد بازرسی در ریاست جمهوری با قانون اساسی مغایرت دارد."

رئیس جمهور وقت از این جواب شورای نگهبان که اصل وظیفه و اختیار را تثبیت ولی ابزار آن را نفی می

عالی قضایی برای اعمالی از قبیل عدم رعایت استتار نور در منازل و معابر (باتوجه به الزام جنگی) خرید و فروش غیر مجاز سوخت و کوبین احتکار یا گرانفروشی مایحتاج عمومی سد معبر و شایعه پراکنی مجازات های را که شامل حبس، جزای نقدی و مصادره اموال بود وضع کرد و تحت عنوان دستورالعمل تخلفات و جرایم زمان جنگ دستور اجرای آن را به حکام شرع در دادسراهای انقلاب صادر کرد.

رئیس جمهور وقت (اولین رئیس جمهور، ابوالحسن بنی صدر) با ذکر اصول ۳۶ و ۱۶۹ و ۵۸ و ۵۷ و ۷۱ و ۱۵۷ این دستورالعمل را خلاف قانون اساسی دانست و عمل شورای مذکور را نقض قانون اساسی اعلام نمود در بخشی از نامه رئیس جمهور وقت آمده است:

"با توجه به اصول و قوانین فوق شورای عالی قضایی (که با تعیین مجازات به وضع یا نسخ ضمنی بعضی از قوانین جزایی مبادرت نموده) قانون اساسی را نقض کرده است جای تاسف که است شورای عالی قضایی که به موجب اصل ۱۵۶ باید ناظر حسن اجرای قوانین باشد به نقض آشکار قانون اساسی اقدام نماید. اینک حسب وظیفه ای که به موجب اصل ۱۱۳ قانون اساسی از لحاظ مسئولیت اجرای قانون اساسی و تنظیم روابط قوای سه گانه بر عهده دارم به شورای عالی قضایی اختطار می کنم از نقض قانون و تجاوز به حدود صلاحیت و وظایف قوه مقننه اجتناب کنند بدیهی است دستورالعمل خلاف قانون آن شورایی اعتبار و ملغی الاثر است." پس از ارسال این نامه رئیس جمهور وقت به شورای عالی قضایی این شورا از شورای نگهبان خواست اعلان نظر نماید در نامه شورای عالی قضایی آمده است:

"شورای محترم نگهبان قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

در نامه ای که از رئیس جمهور به شورای عالی قضایی رسیده با استناد به اصل ۱۱۳ قانون اساسی وظیفه خویش دانسته که در اعمال قوه قضاییه نظارت داشته باشد و نسبت به بعضی از کارهای انجام شده به شورای عالی قضایی اختطار نموده اند فتوکپی نامه رئیس جمهور به پیوست ارسال می شود در صورتی که طبق اصل یکصد و پنجاه و ششم نظارت بر حسن اجرای قوانین با قوه قضاییه است نه رئیس جمهور خواهشمند است آن شورای محترم نظر خود را در این زمینه و اصولاً مفاد اصل ۱۱۳ و محدوده اختیارات ریاست جمهور ابراز کند."

شورای نگهبان در تاریخ ۵۹/۱۷/۸ نظر خود را این چنین به شورای عالی قضایی اعلام کرد:

کرد قانع نشد و طی نامه ای به شورای نگهبان اعلام نظر مستند و مستدل شورای نگهبان را خواستار شد متن نامه رئیس جمهوری وقت چنین است:

شورای محترم نگهبان قانون اساسی احتراماً پیرو نامه شماره ۱۲۸۹/م و عطف به نامه شماره ۴۲۱۴ مورخه ۶۰/۱/۷۱ نظر اعضای محترم شورای نگهبان را به مراتب زیر جلب می کنم:

نظر به اینکه مسئولیت اجرای قانون اساسی و پاسداری از آن و تنظیم روابط قوای سه گانه و حمایت از حقوقی که قانون اساسی برای ملت شناخته و به طور کلی سایر مسئولیتهای مصرحه در قانون اساسی برای ملت شناخته و بطور کلی سایر مسئولیت های مصرحه در قانون اساسی بعهده رئیس جمهور است لذا:

۱- ایجاد تشکیلات لازم به منظور انجام وظایف محوله نیز در اختیار رئیس جمهوری باشد زیرا بموجب قاعده کلی که اختیار فرع نتیجه مسئولیت است و همچنین نظر به قاعده دیگر که اذن در شیء اذن در لوازم آن نیز هست تصمیماتی که برای اعمال مسئولیت های محوله به رئیس جمهور لازم و ضروری است از لوازم اجرای قانون اساسی محسوب می شود و رئیس جمهور مآذون آن خواهد بود و عدم ذکر آن در قانون اساسی موجب عدم جواز نمی باشد.

۲- چنانچه انجام تکالیف ریاست جمهوری محدود به مکاتبه گردد معمولاً اختیار جواب با طرفی خواهد بود که نامه گیرنده است و نیز تشخیص صحت و سقم گزارشات و توضیحات رسیده از چه طریق جز بازرسی میسر خواهد بود؟

۳- به طوری که در نامه شورای نگهبان آمده است "... رئیس جمهوری موظف است چنانچه جریانی را مخالف مذهب رسمی کشور و نظام جمهوری در قانون اساسی تشخیص داد اقدامات لازم را معمول دارد به نظر می رسد که یکی از وسایل لازم این تشخیص و بازرسی خواهد بود.

۴- نظر به تقسیم کار و تسریع در امور و استفاده از اشخاص مطمئن و بصیر و بی نظر در امر بازرسی اختیار اختصاص قسمتی از تشکیلات دفتر ریاست جمهوری بعنوان واحد ویژه بازرسی ضروری به نظر می رسد.

شایسته است چنانچه نامه دفتر ریاست جمهوری در مورد تشکیلات واحد بازرسی گویا نبوده است بنابه مراتب فوق شورای محترم نگهبان در مورد واحد بازرسی دفتر ریاست جمهوری مشروحاً و با استناد به اصول مشخص قانون اساسی اعلام نظر فرمایند.^{۱۵}

سید علی خامنه ای رئیس جمهوری اسلامی ایران"

در خصوص سرنوشت این مکاتبه اطلاع چندانی در دست نیست فقط یکی از اعضای سابق شورای نگهبان در این زمینه میگوید پس از بررسی نامه مذکور در شورا مقرر شد یکی از اعضا شورای (که خود اینجانب بودم) ریاست جمهوری را ملاقات نموده و نظر شورا را حضوراً تبیین نمایم، این ملاقات و مذاکره صورت گرفت و رئیس جمهور هم ظاهراً نظر شورا را پذیرفت و تشکیل واحد بازرسی ویژه را پیگیری نکرد.^{۱۶}

وجود نگاهی تا حدودی مغایر با هم در این نظر شورای نگهبان، به نحوی که وظیفه رئیس جمهور در اجرای قانون اساسی را تثبیت ولی ایجاد مرکزی برای انجام این وظیفه مهم را منع می کند ابهام هایی را برانگیخت. عدم وجود مجموعه ای از مذاکرات منتهی به صدور این نظر در شورای نگهبان و عدم استدلال لازم برای ممنوعیت ایجاد واحد بازرسی ویژه از تحلیل دقیق تر موضوع بازمی دارد محدودیت شدید اختیارات اجرایی و اداری ریاست جمهوری یکی از دلایل احتمالی است که اصولاً ایجاد هرگونه سازمان و تشکیلات اداری را بوسیله رئیس جمهور با قانون اساسی سازگار نمی دانست،^{۱۷} از جمله دلایل احتمالی این نظر شورای نگهبان می تواند باشد.

علاوه بر این استدلال که با توجه به اصول متعدد قانون اساسی تا حدودی تثبیت می شود چرا که هرگونه امور اداری و استخدامی در قانون اساسی سال ۱۳۰۸ در حوزه اختیارات نخست وزیر و وزراء بوده و رئیس جمهور اولاً و ابتدائاً نمی توانست چنین تاثیری ایجاد نماید. بر همین اساس قانون تعیین حدود اختیارات رئیس جمهور در ماده ۱۷ خود مقرر می دارد:

"به منظور اداره امور و وظایف رئیس جمهور مندرج در قانون اساسی جمهوری ایران نهاد ریاست جمهوری تشکیل می شود و دارای شخصیت فوق است"^{۱۸} و ماده ۱۸ نیز مقرر می دارد سازمان و تشکیلات و امور استخدامی نهاد ریاست جمهوری با همکاری سازمان امور اداری و استخدامی کشور تهیه و به تأیید رئیس جمهوری خواهد رسید.

بنابر این شاید تاسیس ابتدایی چنین واحدی با توجه به عدم هماهنگی با سازمان امور اداری و استخدامی که بر اساس قانون اساسی نظارت و هدایت ایجاد تشکیلات اداری را دارد دلیل نسبتاً مناسبی برای چنین مخالفتی بوده است در عین حال می توان از این نظر شورا برداشت دیگری نیز داشت و آن اینکه شورای نگهبان مسئولیت مذکور در اصل ۱۱۳ تحت عنوان مسئولیت اجرای قانون اساسی را از جمله اختیارات هسته ای و اساسی رئیس جمهوری می دانست که اجرای آن

قانون تعیین کننده حدود وظایف و اختیارات ریاست جمهوری به نوعی قانون سازمان بخش به اعمال اختیارات رئیس جمهور است که هم رئیس جمهور را ملیدمی سازد و هم نهادهای دیگر را مکلف به همکاری با وی می نماید

علاوه بر مکاتبات مذکور، اقدامات عملی دیگری نیز در این زمینه وجود دارد که ذکر آنها می تواند ما را به درک بهتر از حوزه اختیارات رئیس جمهور در اجرای قانون اساسی مدد رساند.

اقداماتی که حضرت آیت الله خامنه ای در زمان ریاست جمهوری خود در اجرای قانون اساسی داشته اند یکی از رویه هایی است که در تثبیت این وظیفه کمک شایان می نماید.

"حتی من شاهد بودم مواردی بود که رئیس جمهور اخطار کرد و قوای دیگر مثل سپاه پاسداران و قوه قضائیه به این اخطارها توجه کردند و در جهت اجرای قانون اساسی سر اطاعت فرود آوردند." (۱)

رئیس جمهور پنجم و هشتم : در این زمینه می توان به ایجاد بازرسی ویژه ریاست جمهوری در زمان ریاست جمهوری حجت الاسلام هاشمی اشاره کرد که اگر چه مشخصا کارکرد آن مسئولیت رئیس جمهور در اجرای قانون اساسی نبود ولی با توجه به افزایش اختیارات اجرایی رئیس جمهور پس از بازنگری به نظر می رسد ممنوعیت احتمالی ایجاد ساختاری برای اجرای قانون اساسی بر طرف شده است.

رئیس جمهور هفتم و هشتم : در سال ۱۳۷۶ پس از انتخابات ریاست جمهوری، رئیس جمهور جدید (حجت الاسلام سید محمد خاتمی) با تاکید ویژه بر اجرای قانون اساسی هیئت مشاوره ای را تحت عنوان هیئت پیگیری و نظارت در اجرای قانون اساسی ایجاد کرد که این هیئت در طول هشت سال ریاست جمهوری ایشان به انجام وظیفه مشغول بودند و اقداماتی را در اجرای این وظیفه به انجام رساندند. رهبری نیز در این مرحله بر انجام این وظیفه توسط رئیس جمهور تاکید داشتند.

متن حکم رییس جمهور وقت:

بسم الله الرحمن الرحيم

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران حاصل انقلاب بزرگ اسلامی و خون بهای شهیدان و تلاش ایثارگران و چارچوب بی بدیل ساختار نظام ماست و رییس جمهور برابر اصل ۱۱۳ که می گوید

"..... برای ایفای این مسئولیت بزرگ و به اقتضای مسئولیتی که در پیشگاه حضرت حق جل و علا دارم و بر اساس پیمانی که با ملت بزرگ و شریف بسته ام و در اجرای سوگندی که یاد کرده ام تشکیل هیئتی را به نام هیئت پیگیری اجرای قانون اساسی و نظارت بر آن را اعلام می دارم. اعضای این هیئت به این شرح برای یک دوره چهار ساله منصوب می شوند.... مهم وظایف این هیئت عبارت است از :

مباشرت رئیس جمهور را می طلبید و غیر قابل تفویض محسوب می شود.^{۱۸}

در هر صورت با تصویب قانون تعیین حدود و... این امکان با مشارکت سازمان اموراداری و استخدامی برای انجام وظیفه مذکور نیز توسط رئیس جمهور فراهم شد. اطلاعات جسته و گریخته غیر مکتوب ما حکایت از این دارد که در دوران ریاست جمهوری حضرت آیه الله خامنه ای کمیسیون هایی تشکیل و از مشاوره برخی افراد صاحب نظر در زمینه ایفای این مسئولیت رئیس جمهور استفاده و به طور موردی افرادی جهت بازرسی مامور می شدند و مواردی هم اخطار و تذکره به بعضی دستگاهها به لحاظ تخطی از قانون اساسی صورت گرفته است.^{۱۹}

یکی از مواردی که از طرف شورای نگهبان در تثبیت این مسئولیت رئیس جمهوری اتفاق افتاد نامه هایی بود که بعد از اختلاف این شورا با مجلس، به رئیس جمهور وقت ارسال شد.

در سال ۱۳۶۲ که لایحه قانون تعزیرات از تصویب مجلس گذشت شورای نگهبان اعلام کرد چون اکثریت اعضای شورای عالی قضایی در تهیه لایحه شرکت نداشتند مصوبه مجلس مغایر بند ۱۲ اصل ۱۵۷ می باشد.^{۲۰}

رئیس مجلس استدلال شورای نگهبان را نپذیرفت و اعلام کرد چنانچه در ماهیت امر اشکال شرعی و قانون اساسی وجود دارد، ظرف ۱۰ روز اعلام نمایند، والا مصوبه مجلس قابل اجراء خواهد بود. شورای نگهبان این اقدام مجلس را خلاف اصول متعدد قانون اساسی دانست و رونوشت آن را به رئیس جمهور ارسال و از وی خواست به موجب مسئولیت خود در اجرای قانون اساسی از اجرای این قانون جلوگیری نماید.^{۲۱} شورای نگهبان همچنین طی نامه ای مفصل به رئیس جمهور اعلام داشت:

"خواهشمند است از دستور موکد منع اجرای این لایحه شورای نگهبان را مطلع فرمایید."

رئیس جمهور وقت نیز در تاریخ ۶۲/۹/۲۴ به شورای عالی قضایی اعلام کرد:

"...دستور فرمائید ۱- تا اطلاع بعدی از اجرای لایحه قانونی یاد شده خودداری شود ۲- چگونگی رعایت یا عدم رعایت بند ۲ اصل ۱۵۷ به اطلاع اینجانب برسد"^{۲۲} با این اقدام شورای نگهبان حتی وظیفه رئیس جمهور در حوزه اجرای قانون اساسی را به نحوی به حوزه تقنینی نیز سرایت داده است در صورتی که نظارت تقنینی علی الاصول بر عهده خود شورای نگهبان می باشد.

جمهوری ضروری دانسته و تاکید نمودند در نظارت بر اجرای اصول قانون اساسی هیچگونه سستی و کوتاهی نباید رخ دهد.^{۳۳}

بر این اساس می توان رویه عملی روسای جمهور و رهبری را در تاکید و تثبیت این وظیفه دانست. با این حال حوزه اجرای این وظیفه و اقدامات احتمالی مباحثی است که بعضاً چالش هایی را برانگیخته است.

در این زمینه می توان به چند ابهام اشاره و در نهایت به حوزه اجتماعی این مسئولیت رئیس جمهور در روش های اجرایی و اعمال این اختیار رئیس جمهور اشاره نمود:

ج- ابهامات در اصل مسئولیت یا حوزه اختیارات:

۱- سوال اول: رئیس جمهور مسئول اجرای قانون اساسی علی الاطلاق یا اجرائیات قانون اساسی میباشد؟
رئیس وقت قوه قضاییه در مراسم تحلیف رئیس جمهوری اسلامی ایران (سید محمد خاتمی) می گوید^{۳۴} قانون اساسی، قانون اجرایی نیست. قانون اساسی قانون مادر است و قوانین عادی که مجلس شورای اسلامی براساس آن قوانین را تنظیم می کند قانون اجرایی است. قانون اساسی اجرایی نیست و این سبب شده که بحث بسیار خوب حقوقی در بین اهل فن بوجود آمده و معتقد هستند تعدادی از اصول قانون اساسی اجرایی است و تکلیف معین کرده، باید و نباید گفته است، جایز و ممنوع دارد. معنی اینکه رئیس جمهور مسئولیت اجرای قانون اساسی را دارد و بعد از آن ریاست قوه مجریه ذکر شده است یعنی اجرائیات قانون اساسی بعهده رئیس جمهوری است.

در ادامه همان می گوید:

من نمی دانم اگر رئیس قوه قضاییه این تکالیف را عمل نکرد چه کسی باید به او بگوید که چرا عمل نکردی؟^{۳۵} به نظر می رسد منظور رئیس قوه قضاییه از اجرائیات قانون اساسی وظایفی است که در قانون اساسی بر عهده رئیس جمهوری از آن حیث که رئیس قوه مجریه است نهاده شده است.

برخلاف نظر آقای یزدی، منظور از اجرای قانون اساسی اجرای اجرائیات قانون اساسی نیست. زیرا اگر بنا بود رئیس جمهور مسئول اجرای قانون اساسی در حوزه اجرائیات قانون اساسی منظور که می گویند باشد وقتی قانون اساسی وی را مسئول قوه مجریه دانسته است کافی بود زیرا این مسئولیت وافی به مقصود است همانطور که ذکر ریاست قوه قضاییه برای اجرای آن قسمت از اصول قانون اساسی وافی به مقصود است. بنا بر این وظیفه نه از آن جهت است که رئیس جمهور، رئیس قوه مجریه است تا در شمار سایر وظایف اجرایی ایشان محسوب گردد، این وظیفه ای است که قانون اساسی مستقلاً بر عهده ایشان نهاده

۱- تدوین خط مشی نحوه پیگیری اجرای قانون اساسی به اولویت اصول متضمن حقوق فردی و اجتماعی مردم و ارائه آن به رئیس جمهور

۲- ارائه پیشنهاد های اصلاحی و تکمیل قوانین و مقررات در جهت اجرای بهتر و کامل قانون اساسی

۳- تدوین و پیشنهاد برنامه های آموزشی و پژوهشی برای آشنایی بیشتر مردم به حقوق قانونی خود و اتخاذ شیوه های مناسب ایفای این حقوق

۴- اعمال نظارت و بازرسی در خصوص کیفیت اجرای اصول قانون اساسی موضوع ماده ۱۴ قانون حدود اختیارات و وظایف رئیس جمهور و تعیین موارد تخلف یا عدم اجرای اصول قانون اساسی و تهیه گزارش و ارائه آن به رئیس جمهور

۵- پیشنهاد راهکار های مناسب برای اجرای قانون و رفع آثار تخلف با تاکید بر فصل سوم قانون اساسی

۶- تدوین روش های دریافت و پیگیری اطلاعات مورد نیاز از موارد تخلف یا عدم اجرای قانون اساسی

۷- تنظیم گزارش سالانه برای تقدیم به محضر مقام معظم رهبری، ملت شریف و مجلس محترم شورای اسلامی با عنایت به اصل ۱۲۲ قانون اساسی.

بدیهی است انجام این مسئولیت مهم نیازمند حرکت و حمایت همه جانبه مردم بزرگوار و همراهی و همدلی قوای سه گانه و دستگاه های مختلف است. لذا از همه مسئولان و دست اندر کاران نظام و ملت عزیز انتظار دارم که با همکاری صمیمانه با این هیئت و ارائه نظر های مشفقانه و راهکار های گره گشاز مینه استقرار بیش از پیش حکومت قانون در جامعه را فراهم آورند.

سید محمد خاتمی رئیس جمهوری اسلامی ایران ۱۳۷۶/۹/۸
۲- نظر رهبری:

مقام معظم رهبری قانون اساسی را قانونی ممتاز و بسیار خوب و مبنای تمامی کارها و فعالیت های نظام و کشور بر شمردند و با اشاره به نظر کاملاً مثبتشان در مورد تشکیل این هیئت (هیئت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی) تصریح کردند: "با توجه به وظایف مصوب ریاست جمهوری در قانون اساسی انجام این مسئولیت خطیر از هیچ شخصیتی جز مقام ریاست جمهوری بر نمی آید."

ایشان برای ماندگار شدن این کار اساسی بر لزوم قانون مند شدن این کار تاکید کردند و فرمودند: "به موازات اجرای وظایف این هیئت باید به گونه ای عمل شود که هیچ شبهه ای در مورد دخالت قوا در یکدیگر به وجود نیاید. رهبر معظم انقلاب اسلامی برای تکمیل اجرای این وظیفه حساس یافتن راهکار های قانونی را برای تضمین اقدام لازم پس از تذکر و اخطار ریاست

سوگندنامه رئیس جمهور

با وظایف رئیس جمهور در

پیش نویس قانون اساسی

همخوانی بیشتری دارد

علاوه بر نگاه اصولی مذکور و استناد به نظر شورای نگهبان در خصوص چگونگی استثناء هادر قانون اساسی اگر تفسیری از قانون اساسی که منجر به تعطیلی اصلی اساسی از قانون اساسی گردد (تعطیلی مسئولیت رئیس جمهور در اجراء و پاسداری از قانون اساسی، اصل ۱۱۳ و ۱۲۱) مغایر با اصول تفسیر نیز می باشد.

ج- چارچوبی برای اعمال وظایف و اختیارات:

بدون شک وجود هر اختیاری مستلزم چارچوبی است که بر اساس آن انجام وظیفه تسهیل و گام های رسیدن به هدف مشخص می گردد در عین حال دارنده اختیار ملزم به رعایت یک چارچوب مشخص می شود که این امر از سوء استفاده احتمالی اعمال حق هم جلوگیری خواهد کرد این امر بویژه در حوزه حقوق عمومی قابل توجه می باشد چرا که در این حوزه هیچ اختیاری لاقید نیست و همه اختیارات علی الاصول در چارچوبی است که از طرف ملت بوسیله قواعد مشخص شده آن به فرد اعطاء می گردد.

مواد ۱۳ تا ۱۵ قانون تعیین حدود و وظایف و اختیارات ریاست جمهوری به نوعی قانون سازمان بخش به اعمال اختیارات رئیس جمهور است که هم رئیس جمهوری را مقید می سازد و هم نهادهای دیگر را مکلف به همکاری برای اعمال این حق می نماید. این چارچوب را می توان در چند محور عمده مشخص نمود:

۱- کسب اطلاع و بازرسی: این ابزارها که مجموعه ای از اقدامات را شامل می شود مبتنی بر ماده ۱۳ قانون مذکور به انجام می رسد و در حقیقت جهت انجام وظیفه رئیس جمهور در اجرای قانون اساسی هم رئیس جمهور با کسب اطلاع از وضعیت موجود کاستی ها مطلع می شود (نظارت استطلاعی) و هم با اطلاع از نقض احتمالی قانون اساسی اقدامات بعدی جهت ممانعت از نقض یا جبران ضرر و زیان و یا مسدود کردن امر خلاف قانون اساسی به عمل خواهد آورد.

در این خصوص انواعی از روش های می تواند مورد استفاده قرار گیرد از دریافت گزارشهای موردی و سالانه گرفته تا اعزام بازرسی یا بازرسان جهت کسب اطلاع از استفاده امکانات مختلف حکومتی مثل گزارشات سازمانهای نظارتی همانند سازمان بازرسی کل کشور دیوان محاسبات و... می تواند مکملی برای انجام این وظیفه باشد در قسمت اخیر ماده ۱۳ این راهها نامحدود اعلام گردیده و از اقدامات لازم یاد شده است با اصل حاکمیت قانون تا حدودی مغایر می نماید چراکه در حوزه عمومی نهادهای حاکم باید در چارچوبی مشخص اعمال حاکمیت نمایند و اختیارات کلی می تواند نافی اصل حاکمیت قانون باشد.

۲- ممانعت از نقض قانون اساسی

است و لذا اعتلای ایشان بر سایر قوا چیزی شبیه اعتلای رهبری است و همان صبغه را دار دو جمله "پس از رهبری و...." حاوی همین مفهوم است.^{۲۶}

سوال دوم: حذف وظیفه هماهنگی قوا در بازنگری و باز تاب آن در اجرای قانون اساسی چیست؟

اساس این است که با توجه به بازنگری در قانون اساسی و حذف مسئولیت هماهنگی از مسئولیت های رئیس جمهور آیا هنوز میتوان مسئولیت اجرای قانون اساسی توسط رئیس جمهور را فراتر از قوه مجریه و ناظر بر تمامی قوا دانست یا این مسئولیت ها صرفاً در پر تو هماهنگی قوا تبلور می یابد؟

در جواب باید گفت قانون گذار در مقام بیان می توانست مسئولیت اجرای قانون اساسی را همانند مسئولیت هماهنگی قوا از مسئولیت های رئیس جمهور حذف نماید و یا حداقل آن را محدود به حوزه قوه مجریه نماید، در حالیکه هیچ تغییری در این مسئولیت نداده است. از طرف دیگر می توان گفت مسئولیت رئیس جمهور در اجرای قانون اساسی نه برگرفته از مسئولیت هماهنگی قوا که به تلاش برگرفته از شان وی بعنوان فرد اول نظام بعد از رهبری است بعبارت دیگر در بالاترین مقام رسمی بودن بعد از رهبری رئیس جمهور بر کار دو قوه دیگر نظارت دارد که از اصول قانون اساسی تخطی نکنند باید بتوان گفت از این حیث رئیس جمهور درجه نازله ای از رهبری است^{۲۷} بنابراین بازنگری در قانون اساسی و حذف مسئولیت هماهنگی از قسمت اخیر اصل ۱۱۳ نافی مسئولیت کلی رئیس جمهور در اجرای قانون اساسی نمی باشد.

سوال سوم: آیا این وظیفه با قسمت اخیر اصل ۱۱۳ که مستقیماً به رهبری مربوط می شود تخصیص نخورده است؟ باید دانست طبق قاعده اصولی "استثناء در تفصیل به جز آخر راجع است" این استثنا با تخصیص به مسئولیت قوه مجریه توسط رئیس جمهور بر می گردد که بر اساس آن جز در موردی که در قانون اساسی به مسئولیت امور اجرایی برای رهبری اشاره شده است بطور عام مسوولیت این قوه به عهده رئیس جمهور است موید چنین برداشت، تفسیری است که شورای نگهبان از استنباط مندرج در اصل ۶۴ به عمل آورده است اصل ۱۶۴ مقرر میدارد "قاضی رانمی توان از مقامی که شاغل آن است بدون محاکمه و ثبوت جرم و یا تخلف که موجب انفصال است به طور موقت یا دائم منفصل کرد یا بدون رضای او محل خدمت یا سمتش را تغییر داد مگر به اقتضای مصلحت جامعه" که شورای نگهبان خود اعلام می دارد استثنای مندرج در اصل ۱۶۴ قانون اساسی صرفاً ناظر به جمله دوم اصل یعنی عبارت "یا بدون رضای او محل خدمت یا سمتش را تغییر دهد" می باشد و ارتباط به جمله صدر ندارد.^{۲۸}

با این حال چند سوال جدی در این حوزه می باشد که پاسخ به آن مستلزم کنکاش مستقلی در نظام حقوقی و به ویژه اختیارات ارکان مختلف آن است اینکه اگر تخلف مربوط به صدور حکمی از مرجع قضایی باشد در آن صریحاً تخلف صورت گرفته باشد چه باید کرد؟ یا اگر رئیس قوه قضائیه در اقدامات خود قانون اساسی را نقض نماید آیا رئیس جمهوری می تواند دستور توقف حکم قضایی را نماید؟

اگر مجلس قانونی رابر خلاف تشریفات مقرر در قانون اساسی تصویب و شورای نگهبان نیز آنرا تأیید نمود چه اقدامی از طرف رئیس جمهور متصور است؟ (مثلاً اگر نصاب لازم در تعیین مرزها رعایت نشده باشد.)

۳- تذکر و اخطار

شاید عدم امکان توقف روند احتمالی نقض قانون اساسی در حوزه تقنینی و قضایی موجب این شده است که قانونگذار به راهکاری که بیشتر جنبه معنوی دارد در حقیقت بدلیل عدم امکان جلوگیری از حکم قضایی یا قانون تصویبی مجلس رئیس جمهوری در اقدامی نمادین طبق ماده ۱۵ قانون مذکور می تواند به قوای قضائیه و مقننه تذکر یا اخطار دهد این اقدام بویژه در صورتی که مجلس در اقدامات تقنینی وظایف نظارتی خود اصول قانون اساسی را رعایت نکند یا دادگاهها اصول متعدد قانون اساسی از جمله اصل قانونی بودن جرایم و مجازات و اصل برائت، اصل منع شکنجه، اصل علنی بودن دادگاهها با حضور هیات منصفه در جرایم سیاسی و مطبوعات را رعایت نکنند، می تواند محقق گردد.

۴- استفاده از افکار عمومی

بر اساس ماده ۱۶ قانون مذکور رئیس جمهور می تواند سالانه تخلف از اصول قانون اساسی به وسیله هر یک از دستگاه ها و قوای حاکم را به اطلاع مجلس شورای اسلامی برساند. لازم به ذکر است که این ماده قانونی تحت عنوان ماده ۲۰ ارایه شده و به شرح ذیل به تصویب مجلس رسیده بود: رئیس جمهور موظف است سالی یکبار رابه اطلاع مجلس شورای اسلامی برساند ولی شورای نگهبان الزام مذکور را مغایر با قانون اساسی دانست. آنگاه رئیس جمهور در ماده بیست بر اقدام مذکور در آن ماده مغایر با قانون اساسی است.^{۲۹}

سوم: نتیجه گیری و طرح چند سوال

بطوریکه مذکور افتاد رئیس جمهوری در نظام جمهوری اسلامی ایران واجد جنبه های مختلفی است هم به عنوان نماد حاکمیت در مواردی انجام وظیفه می نماید (به ویژه در عرصه بین المللی) و هم مسئول اجرای قانون اساسی است و وظیفه دیگری وی نیز مسئولیت قوه مجریه می باشد. هر کدام از این مسئولیت ها چارجوب ها و اقتضائاتی دارد که متناسب با ساخت سیاسی نظام حقوقی قابل اعمال می باشد.

در مرحله بعد از کسب اطلاع اگر رئیس جمهور مواجه با نقض قانون اساسی شد چه تمهیداتی می تواند برای ممانعت از نقض یا جلوگیری از اقدامات خلاف قانون اساسی به انجام برساند؟ شاید این قسمت از مسئولیت رئیس جمهور از جمله موارد مورد مناقشه باشد چرا که ممکن است منجر به توقف اقدامی شود که احیاناً دستگاه خاصی در حال انجام آن است. متأسفانه در قانون مربوطه هیچ تمهید روشن و مشخصی در این مورد وجود ندارد و با این حال در تعارض با اصل حاکمیت قانون رئیس جمهور علی الاطلاق اقدامی را که لازم بداند می تواند به انجام برساند. ماده ۱۴ قانون مذکور به هر اقدام مقتضی اشاره می کند. شاید مسیر تصویب این قانون در مجلس و نظارت شورای نگهبان در این زمینه به درک نوع نگاه قانونگذار مدد رساند. در مصوبه اولیه مجلس که در قالب ماده ۱۷ بود این عبارت وجود نداشت "... رئیس جمهور در اجرای وظایف خویش برای اجرای قانون اساسی به نحو مقتضی اقدام می نماید و برای این منظور می تواند..." وجود نداشت ماده طوری طراحی شده بود که چارچوب خاصی را برای اقدام رئیس جمهوری در انجام این وظیفه مشخص می کرد. شورای نگهبان در مورخه ۶۵/۳/۱ نسبت به این مصوبه اعلام نمود، ماده ۱۷ و تبصره آن مستفاد از قانون اساسی این است که رئیس جمهور در مورد توقف یا عدم اجرای قانون اساسی به هر نحو مقتضی بداند عمل میکند و حصر مذکور در این ماده نیز مغایر با قانون اساسی است.

بر این اساس مجلس نیز متن را اصلاح و به نحو مندرج در ماده ۱۴ به رئیس جمهور اختیار داده به نحوی که مقتضی می داند اقدام نماید از جمله طرقی که از باب مصداق در این ماده بیان شده عبارت اند از: اطلاع رسانی امر خلاف به بالاترین مقام مسئول و خواستار شدن علت توقف یا عدم اجرای قانون اساسی از مسئول مربوطه و الزام مسئول مربوطه جهت پاسخگویی به رئیس جمهوری و اجرای اصل مربوطه در صورتی که توقف یا عدم اجراء برای رئیس جمهور ثابت گردد. رفع عوارض ناشی علاوه بر اعلام به مجلس، رئیس جمهور می تواند ابزار افکار عمومی نیز استفاده نماید و این موارد را به اطلاع مردم (ملت) برساند. عدم اجراء اعلام تخلف مربوط به وزراء و نخست وزیر (در آن زمان هنوز پست نخست وزیری حذف نشده بود).

در حال حاضر با توجه به اینکه رئیس جمهور، رئیس دولت نیز می باشد از جمله تمهیدات در حوزه قوه مجریه عزل وزراء و روسای سازمان های حوزه قوه مجریه و در خصوص سایر مسئولان ارسال پرونده به مرجع صالح اعم از قضایی مثل دادگاهها یا شعبه قضایی دیوان عدالت، تخلفات اداری یا دیوان محاسبات و بازرسی کل کشور از جمله اقدامات رئیس جمهوری قلمداد خواهد شد.

در خصوص نماد حاکمیت این سوالات اساسی همچنان باقی است که آیا اختیارات رئیس جمهوری مطلق و نهایی است یا امکان انجام این وظایف توسط رهبری نیز وجود دارد؟ و در خصوص اختیار رئیس جمهور در پاسداری و اجرای قانون اساسی نیز با توجه به تحولات دهه اخیر اقدامات رئیس جمهور سابق در اجرای قانون اساسی و مقابله جویی های انجام شده در این خصوص صرف نظر از نص صریح با وجود این اختیار آیا در قالب سیستم سیاسی حقوق موجود قابل اعمال است یا خیر؟ و ثانیاً حوزه این اختیارات کجاست؟ به عنوان مثال در تعیین سیاست های کلی نظام، اقدامات مجتمع در حل معضلات نظام و مصوبات نهادهای موجود مثل شورای عالی انقلاب فرهنگی و شورای عالی امنیت ملی، هیات وزیران و اقدامات رئیس قوه قضائیه در صدور آئین نامه های اجرایی و نظرات قانون اساسی توسط رئیس جمهور به چه طریق اعمال خواهد شد و بالاخره اینکه اگر مجلس در مصوبات خود تشریفات مصرح در قانون اساسی را رعایت نکرده و شورای نگهبان نیز ایراد بر آن نگردد رئیس جمهور چه اقدامی برای پاسداری از قانون اساسی به انجام خواهد رساند و اگر رئیس قوه قضائیه و دادگاهها نیز تخلف از قانون اساسی کردند و در سلسله مراتب حقوقی ممانعتی بعمل نیامد چه اقدامی از طرف رئیس جمهور متصور است؟^{۳۰}

سوالات فوق جوابی قطعی را در چارچوب تعریف شده حقوق نخواهد یافت و این رویه حاکمیت است که جواب به سوالات را در اعمال خود به منصفه ظهور خواهد رساند.

منابع، مآخذ و توضیحات

- ۱- تیلا پروانه، خلاها و کاستی های قانون حدود وظایف و اختیارات رئیس جمهور (طرح پژوهش) اداره کل پژوهش و اطلاع رسانی ریاست جمهوری ص ۹
- ۲- هاشمی سید محمد - حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، جلد دوم، حاکمیت و نهادهای سیاسی، چاپ پنجم نشر دادگستر ۱۳۸۰، ص ۲۹۲ (نقل به مضمون)
- ۳- هاشمی، سید محمد، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، جلد دوم، مجتمع آموزش عالی قم، چاپ دوم، بهار ۱۳۷۵، صفحه ۳۳۴
- ۴- تیلا پروانه، همان، ص ۱۰
- ۵- کلدیور، محسن، دغدغه های حکومت دینی، ص ۱۷۷ و ۱۷۸ به نقل از تیلا پروانه، همان ص ۱۰-۱۲
- ۶- هاشمی سید محمد - حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران جلد ۳، چاپ دادگستر ص ۲۹۴-۲۹۵
- ۷- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مخصوصاً پیش نویس اولیه آن تا حد زیادی ملهم و مقتبس از قانون اساسی فرانسه مصوب ۱۹۵۸ است. چنانچه برخی از اصول آن عیناً یا با تغییر جزئی ترجمه بعضی از اصول قانون اساسی فرانسه است. چنانچه اصل هفتاد و پنج قانون اساسی ایران با اندکی تغییر و اصلاح عبارات همان اصل ۴۰ قانون اساسی فرانسه است. به نقل از مهرپور، حسین، مسئولیت رئیس جمهور در اجرای قانون اساسی - راهبرد، ص ۹۰
- ۸- code constitutionnelle de france, librairie de la cour de cassation, paris, ۱۹۹۹
- ۹- راهنمای استفاده از صورت مشروح مذاکرات بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، انتشارات اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی

- مجلس شورای اسلامی: ۱۳۶۸ ص ۱۳
- ۱۰- همان ص ۱۳ و ۱۴
- ۱۱- ترک به، شریف، محمد، جایگاه قانونی هیئت پیگیری اجرای قانون اساسی و نظارت بر آن کجاست. مجمع مقالات، تحقیق جامعه مدنی در انقلاب اسلامی ایران، ص ۴۹۸-۵۰۴
- ۱۲- از لحن نامه چنین بر می آید که اختلاف بین رئیس جمهور و شورای عالی قضایی فراتر از این اختطار رئیس جمهور بود. چرا که بدون رعایت تشریفات مرسوم اداری نگاشته شده است (مثلاً چند جا از شورای نگهبان با لفظ محترمانه یاد می کند ولی در خصوص رئیس جمهور خالی از آداب اداری نگارش می نماید).
- ۱۳- مهرپور، حسین - مجموعه نظریات شورای نگهبان، جلد ۳، انتشارات کیهان ۱۳۷۱ ص ۲۰-۲۴
- ۱۴- مهرپور، حسین، همان، انتشارات کیهان ۱۳۷۱ ص ۸۳-۸۴
- ۱۵- مهرپور، حسین- همان، ص ۸۵
- ۱۶- مهرپور، حسین مسئولیت رئیس جمهور در اجرای قانون اساسی، راهبرد شماره ۱۶-۱۵، ص ۱۹ همین طور مراجعه شود: مهرپور، حسین مجموعه نظریات... جلد ۳ ص ۸۶
- ۱۷- مهرپور، حسین، راهبرد شماره ۱۶-۱۵ تابستان ۱۳۷۷ ص ۲۹
- ۱۸- برای اطلاعات بیشتر مراجعه کنید به پژوهش: تقویض اختیار رئیس جمهور در قانون اساسی، اداره کل پژوهش و اطلاع رسانی ریاست جمهوری
- ۱۹- مهرپور، حسین، راهبرد، ص ۱۹
- ۲۰- اصل ۱۷۵ قانون اساسی مقرر می داشت "به منظور انجام مسئولیت های قوه قضائیه شورایی به نام شورای عالی قضایی تشکیل می گردد که بالاترین مقام قوه قضائیه است، و وظایف آن به شرح زیر می باشد... ۲- تهیه لوایح قضایی متناسب جمهوری اسلامی..."
- ۲۱- مهرپور، حسین - راهبرد، همان ص ۷
- ۲۲- همان ص ۷ و ترک به مهرپور، حسین، دیدگاههای جدید در مسائل حقوقی، چاپ دوم نشر اطلاعات ص ۹۹
- ۲۳- رهبر انقلاب در دیدار با اعضای هیئت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی، روزنامه کیهان شماره ۱۶۱۷۱ ص ۳
- ۲۴- سخنرانی در مراسم تحلیف ریاست جمهوری مورخ ۱۳ مرداد ۷۶، روزنامه رسمی شماره ۱۵۳۳۰۸
- ۲۵- روزنامه رسمی همان ص ۱۷
- ۲۶- محقق داماد، مصطفی، لایحه تبیین اختیارات مسبق به تصویب مجلس و تأیید شورای نگهبان است، نشریه اطلاع رسانی حقوق سال اول شماره ۲ آذر ۸۱ ص ۲۳
- ۲۷- مهرپور، حسین، مسئولیت رئیس جمهور در اجرای قانون اساسی - راهبرد همان - ص ۴
- ۲۸- مجموعه نظریات شورای نگهبان به نقل از مجموعه "رئیس جمهور و مسئولیت اجرای قانون اساسی" گروه مطالعات و پژوهش های بنیادین اداره کل پژوهش و اطلاع رسانی ریاست جمهوری ص ۱۰
- ۲۹- مهرپور، حسین مجموعه نظریات شورای نگهبان ج ۲ ص ۴۳۶-۴۳۸
- ۳۰- به نظر اینجانب، رئیس جمهور با اختیارات حاصل از اصول ۱۱۳ و ۱۱۱ که قانون اساسی در مواردی که شخص رئیس قوه قضائیه فرضا از حدود وظایف مصرح در قانون اساسی خارج یا در انجام آن اهمال و تساهل کند می تواند و باید به ایشان اختطار و تذکر بدهد. از باب مثاب رئیس قوه قضائیه که مطابق اصل ۱۶۲ قانون اساسی رئیس دیوان عالی و دادستان کل کشور را باید با مشورت قضات دیوان عالی کشور منصوب کند، چنانچه بدون مشورت با آنان قضات را منصوب نماید، رئیس جمهور می تواند بنا به دلایل مذکور و بر مبنای اصول ۱۱۳ و ۱۱۱ قانون اساسی... به رئیس قوه قضائیه اختطار... در صورت امتناع آن انتصابات و امتوقف نماید. محقق داماد، مصطفی - همان ص ۲۳